

آمیولاتس

گوسفند اینترنتی واینترنت گوسفندی



پوریا عالمی

● اینقدر دست‌روی‌دست گذاشتیم که علاوه‌بر منشور کورش و شیخ بهایی و ابن‌سینا، غرب استراژی اینترنتی ما را هم برای خودش برداشت. در آخرین این دست‌اندازی‌ها و دست‌درازی‌های غرب به ما، ایسنا نوشت: «دانشمندان علوم کامپیوتری دانشگاه لکستر انگلستان، ایده استفاده از گوسفندا به‌عنوان ابزاری برای افزایش سرعت اینترنت در یک منطقه روستایی در ولز را مطرح کرده‌اند.» همچنین می‌گویند ایده استفاده از گوسفندان برای اینترنت را انگلستان مطرح کرده که یکی نداند فکر می‌کند این اولین‌بار است که از گوسفندان در اینگونه امور استفاده می‌شود؛ مثلاً ما خودمان مدت‌هاست تأثیر گوش‌سفندان روی اینترنت را متوجه شده‌ایم، چطور؟ چون کابل اینترنت را می‌چوند. اما اگر کابل اینترنت را از جلو دست گوسفندا برداریم، سرعت اینترنت هم درست می‌شود. بعد هم یک‌طوری می‌گویند اینترنت گوسفندی انکار که چی؟ رسماً اینترنت ما اینترنت حلزونی است و اینقدر پز نمی‌دهیم. ما معتقدیم دیگر بس است و نباید بگذاریم داروندار ما را غرب ببرد. اگر امروز ما دست‌روی‌دست بگذاریم و اجازه دهیم «استفاده از گوسفند در اینترنت» را انگلستان به نام خودش بزند، از کجا معلوم که فردا استفاده از باقی حیوانات در امور زندگی را هم تصاحب نکنند؟ به گزارش سرویس فناوری ایسنا، ایده پیشنهادی «پروفیسور گوردون‌بلیر» استفاده از قلاده‌های دیجیتالی در گوسفندا و استفاده از چنین سامانه‌هایی برای رهگیری این حیوانات و همچنین بهره‌گیری از آنها به‌عنوان مسیر هدایت وای‌فای است. «بلیر» به‌تازگی بودجه ۲۶۷هزارو۹۰۰دلاری از «شورای تحقیقاتی علوم فیزیک و مهندسی بریتانیا» دریافت کرده تا این پروژه هوشمند را در منطقه «کانوی» در ولز اجرا کند. قلاده‌های مزبور به دوربین‌هایی مجهزند که گوسفندا و مکان آنها و همچنین چگونگی تعاملشان با محیط اطراف را رهگیری می‌کنند. همچنین می‌توان از این سیستم‌ها برای غلبه بر سرعت‌های پایین اینترنت و پوشش‌دهی این شبکه در بسیاری از نقاط روستایی بریتانیا بهره برد. گفته می‌شود این پروژه ظرف ۱۸ماه آینده عملی خواهد شد.

فرداگذرانی

● ویژه‌نامه پاییز۹۳ نشریه بین‌المللی، فرهنگی، اقتصادی و گردشگری «کلاردشت» به دوزبان فارسی و انگلیسی منتشر شد. مدیرمسئول این نشریه در صفحات نخست آن، یادداشتی با تیتَر «کلاردشت بهشتی که دیگر گمشده نیست» نوشته است. همچنین‌گفت‌وگویی با فرماندار کلاردشت با محوریت توسعه برپایه گردشگری از مطالب دیگر این ویژه‌نامه است. مطلبی درباره درخشش جام‌زین کلاردشت در موزه ایران باستان، گزارشی از چگونگی موفقیت یک‌روستایی در ایجاد یک‌دهکده توریستی در حاشیه کویر، مصاحبه با توریست لهستانی درباره جنگل مازنیچال کلاردشت، گزارشی از برگزاری جشنواره نقاشی کودکان و همدلی هنرمندان فیلم شهرموشها۱۲، گفت‌وگو با دختر دره‌نورد ایرانی، گفت‌وگو با بهنوش بختیاری درباره سفر به کلاردشت و طرز تهیه غذاهای محلی کلاردشت، از دیگر مطالب این شماره نشریه «کلاردشت» هستند.

● سومین شماره دوهفته‌نامه روشن منتشر شد؛ شماره‌ای با عکسی متفاوت از الهام چرخنده که به‌عنوان جلد انتخاب شده است و در پرونده‌ای به بررسی چهره‌هایی پرداخته شده که برای معروفیت سر می‌شکنند! از مهم‌ترین پرونده‌های این شماره روشن، بررسی وضعیت پیش‌روی سازمان صداوسیماست، گزارش‌های این دوهفته‌نامه حکایت از آن دارد که در دوره ریاست جدید این سازمان، اقتصاد یکی از مهم‌ترین عوامل تصمیم‌گیری در این رسانه خواهد بود.

پرونده‌ای هم برای سخنرانی اخیر یوسف ابادری در این شماره تهیه شده است هر شماره این دوهفته‌نامه، پرونده‌ای ویژه برای یک رمان ایرانی دارد و در آن لوکیشن‌های رخدادهای آن رمان معرفی شده و به این بهانه، از نوشتار رمان، نیت‌خوانی می‌شود. در این شماره، صفحات رود راوی روشن به سراغ رمان «طناب‌کشی» رفته که در نجف‌اشرف می‌گذرد. سومین شماره دوهفته‌نامه روشن، در ۶۰صفحه و با قیمت پنج‌هزارتومان از امروز در کیوسک‌های مطبوعاتی قابل تهیه است.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۴ دی ۱۳۹۳ • ۲ ربیع‌الاول ۱۴۳۶ • ۲۵ دسامبر ۲۰۱۴ • سال دوازدهم • شماره ۲۱۹۴ • صفحه ۷۰۱۲ اذان ظهرتهران ۱۲:۰۴ • اذان مغرب ۱۷:۱۷ • اذان صبح‌فردا ۵:۴۲ • طلوع آفتاب ۱۲:۱۲

روزنامه‌فردا

کارتون خواب

مهدی عزیزی



دیالوگ

جان کری و سرطانی که بر آن پیروز شد

زروان بختیاری



این‌روزها که بحث هسته‌ای بسیار داغ است، نام جان کری را زیاد می‌شنویم. اما شاید کمتر کسی بداند او از سرطان رنج می‌برده و توانسته آن را شکست دهد. این مطلب، بخشی از گفت‌وگویی است که با او چندی پیش در مجله «کپینگ ویث کنسر» انجام شده است.

ک تشخیص بیماری، روابط شما و خانواده‌تان را تغییر داد؟

پیش از اینکه این بیماری در من تشخیص داده شود و درمان شوم، رابطه نزدیکی با خانواده و دوستان داشتم اما فکر می‌کنم این تجربه باعث شد که قدرشان را بیشتر بدانم و خوشبختانه آنها هم همینطور. در تمام این دوره، خانواده و دوستانم صددرصد پشتیبانم بودند و همیشه از آنها متشکر خواهم بود. حتی به طرق مختلفی باعث شد که به دخترانم و همسرم ترسا نسبت به قبل از تشخیص بیماری نزدیک‌تر شوم. در هر قدم از این سفر مرا همراهی کردند و این باعث شد به‌عنوان یک خانواده امتحان شویم. این جنگی بود که همه ما با آن روبه‌رو بودیم.

ک سرطان نگاهتان را به شغل‌تان، عوض کرده است؟

البته که ناکه‌ام را عوض کرد. اکثر ما که به‌اندازه کافی خوش‌اقبال بودیم که سالم از ویتنام برگردیم، گفتیم: هرروز یک روز زیادی است. من ۳۵سال پیش، از این روزهای اضافی استفاده کردم تا به آن جنگ خاتمه دهم. منوجه شدم که وظیفه‌ای دارم که جلو دیگران را از کشته‌شدن بگیرم. من بعد از سرطانم هم روزهای اضافی دارم و از خشمم به این بیماری استفاده می‌کنم تا آنچه را که باید انجام دهم: یک حامی باشم و به مبارزه ادامه دهم.

ک از زمانی که سرطان گرفتید، بیشترین چالشی که با آن روبه‌رو شدید چه بود؟ چگونه بر آن غلبه کردید؟

می‌دانید در سن من چالش‌های بسیاری وجود دارد. شما دوستان و خانواده‌تان را به‌خاطر بیماری و مرگ از دست می‌دهید. در مورد من، اینکه یک انتخاباتی‌که خیلی احتمال پیروزی داشتم را باختم. این روشی که نفسم را برید تا چیزی یاد بگیرم، روش موردعلاقه‌ام در به‌دست‌آوردن حکمت و دانش نیست، اما اتفاقی است در زندگی

اسرافیل شیرچی، یکی از راویان موفق سنت خوشنویسی در این روزگار است. به سنت می‌پردازد و توجه دارد، بی‌آنکه در محدوده سنت درجا بزند و در گذشته‌ها بماند. او توانسته در خوشنویسی از مرز «مانایی» در سنت عبور کند و به روح «پویایی» سنت برسد. شیرچی شکسته نستعلیق می‌نویسد؛ همان هنر سنتی که از روزگار صفویه به‌بعد بخشی از تجلی فرهنگی مکتوب ماست، در عین حال او توانسته از شکسته‌نویسی متعارف پیشین کام فراتر بگذارد و



سهیل محمودی

روایتی تازه به‌نام خود ثبت‌وضبط کند و آراه دهد. اسرافیل شیرچی، در خوشنویسی نقاشی می‌کند؛ بی‌آنکه کارش نشانه‌ای از پیروی آنچه امروزه «نقاشی‌خط» نامیده می‌شود داشته باشد. فضاسازی، هندسه کلمات، حجم و از همه مهم‌تر عنصر رنگی در تابلوخط‌های شیرچی نشانه‌هایی از سبک و شیوه‌ای است که به نام خودش ثبت خواهد شد. جذابیت‌های بصری تابلوهای شیرچی، خود بهترین معرف آثار اوست و امضایی است ماندگار... و رویکرد خاص و عام به هنر او نیز ریشه در همین ایجاد جذابیت‌ها داشته و دارد. آنچنان که شنیده‌ام، سال‌ها پیش، وقتی اسرافیل شیرچی تازه‌جوان،

یادداشت

مبارک‌گویی کریسمس وسال نومیلادی

این گریگور که بانی مسیحیت رسمی در ارمنستان است را ارمنیان «گریگور لوساوَرِیچ» یعنی گریگور نورآور یا روشنگر می‌نامند. مسایل جزء و کل در زندگی بشری همیشه بوده و همواره خواهند بود، باشد که ما دست‌در‌دست یکدیگر به‌سوی ساخت جامعه‌ای بهتر وسال‌م‌تر در سراسر این کره خاکی قدم برداشته و با امیدی راسخ و شکست‌ناپذیر به کوشش خود در این راه ادامه دهیم. باشد که دشواری‌های روز‌مره در سال جدید ۲۰۱۵ میلادی یکی پس از دیگری از میان برداشته شده و افقی روشن‌تر و خوش‌روتر برای نوع بشر ایجاد شود. این حقیر پیشاپیش کریسمسی را که ارمنیان به همراه اکثریت مسیحیان ارتدکس جهان در روز ششم ژانویه و سایر مسیحیان در روز ۲۵ دسامبر جشن می‌گیرند و همچنین سال نو۲۰۱۵ میلادی را به هم‌میهنان ایرانی ارمنی‌ام تبریک گفته و سال نیک، پرسلامت، پرامید و خوشی را برایشان آرزو می‌کنم. پس از عرض تبریک، موضوعی را هم به عرضشان برسانم که این حقیر در این ایام درحال انتشار کتابی هستم به نام «شعر معاصر ارمنی - پرواز با درنا» که در آن، شعر ۶۵ شاعر ارمنی از ارمنستان و سایر کشورهای جهان را به فارسی برگردانده‌ام. امیدوارم مورد پسند و توجه همه فارسی‌زبانان قرار گیرد.

امپراتوری روم نیز مسیحیت را به‌عنوان دین رسمی ملت و کشور خود پذیرفت. ۲۵ دسامبر روزی بود که رومیان سال‌های سال روز تولد میترا را در آن روز جشن می‌گرفتند. اما روز تولد عیسی مسیح روز ششم ژانویه بود. کلیسای جدیدالتاسیس روم برای ازمیان‌برداشتن این تناقض در جلسه‌ای با کلیسای ارمنی سعی در قبولاندن تعویض ششم ژانویه با ۲۵ دسامبر کرد که کلیسای ارمنی آن را نپذیرفت و به این ترتیب شد که قدیمی‌ترین مسیحیان دنیا یعنی ارمنیان روز ششم ژانویه را جشن می‌گیرند و اکنون برخی از کلیساهای ارتدکس دنیا نیز با کلیسای ارمنی همراه شده‌اند.

یک مساله دیگر را نیز باید در اینجا توضیح دهم که چون برخی از حواریون حضرت مسیح خود به ارمنستان آمده و آن را اشاعه داده‌اند، کلیسای ارمنی خود را «کلیسای حواریون ارمنی» می‌نامد و نه کلیسای گریگوری! در ایران رایج شده است که ارمنیان را گریگوری می‌نامند! گریگور نام پاپی است که در قرن شانزدهم، تقویم میلادی را اصلاح کرده و هیچ ارتباطی با کلیسای ارمنی ندارد. این نامگذاری از آنجا سرچشمه می‌گیرد که فردی ایرانی که اشاعه‌دهنده اصلی مسیحیت در ارمنستان بوده است، فقط شباهت اسمی با پاپ اعظم داشته و نامش گریگور بوده است.



خاجیک خاجر مترجم و شاعر

چرخ گردون یک‌بار دیگر کره خاکی ما را دور خورشید به گردش درآورد و این کریسمس و سال نو میلادی هستند که از گرد راه به مقصد می‌رسند! سالی را که گذراندیم لب‌الب بوده است از حوادث و اتفاقات و پدیده‌های جورواجور؛ پدیده‌هایی هم قابل انتظار و هم غیرقابل انتظار. به‌هرحال یک‌سال دیگر زینستیم. یک‌سال دیگر با خودمان و با اطرافیانمان به هر ترتیبی ساختیم، روز را به شب و شب را به‌روز رساندیم و امید که کوله‌بارمان را از تجربه‌های نیک و بارزش پر کردیم، امید و نیروی لیخن‌زدن به زندگی را بهتر گرفتیم و قلبمان را با امیدهای نیک برای زندگی بهتر باز کریسمس شده است و باز ایرانیان ارمنی این کریسمس را نه در روز بیست‌وپنجم دسامبر، بلکه روز ششم ژانویه جشن می‌گیرند! می‌دانیم که ارمنیان اولین ملت و ارمنستان اولین کشور دنیا هستند که در سال ۳۰۱میلادی مسیحیت را به‌عنوان دین رسمی ملت و کشور پذیرا شدند. ۱۰سال بعد از ارمنستان،

